

> ? كتاب موفقيت در آزمونهاى استخدامى- زبان انگَليسى







 اجتناب مى كنيمر.

مفعول، اركان اصلى جمله را مى سازند. فعل بيانگر وقوع كار يا روى دادن حالتى است؛ مثال: He killed the cat (بيانگر يك عمل) He saw a cat (بيانگر يك حالت)

『 $\downarrow$ بهطور كلى مىتوان زمانها را به سه بخش تقسيم نمود: الف) زمان حال؛ ب) زمان گذشتهـ؛ ج) زمان ( زمان آينده. زمانهاى حــال (The present tenses) :
 استمر ارى، حال كامل و حال كامل استمرارى مى الـاشد
1- زمان حال ساده؛ تعريف: بيانگرَ علمى است كه به صورت معمول و در ز زمـان حـال بــهـ وقوع مى یيوندد ؛ ساختار آن به صورت زير مىباشد:

```
        فيد زمان + قيد مكان + مفعول + فعل + فاعل 
``` subject + verb + object + adverb of place + adverb of time
جمله به كار بـر ساختن زمان حال ساده بايـد ـ ـ مصدر بدون to (فعـل) را بلافاصـله بعـد از فاعـل در

■ فعل سوم شخص مفرد در زمان حال ساده S يا es مىگيرد؛ مثال:
He sees my brother everyday.
She comes to class at 8
o clock every day.
■ چنانجֶه فعلـى بـه يكـى از حـروف (z , x , ch , sh , s) خـتم گـرددــ در سـوم
شخص مفرد بايد به آخر آن es اضافه تردد و eS به صورت يكى سيلاب جداگانه تلفظ مىشود.
تكتْيرتّ: حقايق علمى و حقايق كلى كه واقعيتهاى پذيرفته شده و غيرقابل انكار را
تشكيل مىدهند به كمى زمان حال ساده بيان مىشوند؛

The eath goes round the sun.
ب- زمان حال استمرارى، تعريف: بيانگر عملى اسـت كــه در همــين لحظـه، در حـال
انجام شدن است. قيدهاى زمان at the moment , now به معناى اكنون و در همين لحظه، نشانهى اصلى اين زمان مىباشند.

\section*{I am watching TV now.}

> ساختار /ين زمان در حمله عبارت /ست از:
> (مغعول) متممر + am/is/are + فعل + فاعل

■ چنانحه فعلى به e ختم شود هنگًام اضافه كردن (ing) به آخر فعل (e) حذف مى گــردد؛
مثال:
to write \(\rightarrow\) He is writing a letter
■ چنانحֶه فعلى به يک حرف بیصدا ختم شود و قبل از آن يك حرف با صدا باشد و فشار to run \(\rightarrow\) He is :صدا روى قسمت آخر فعل باشد حرف آخر تكرار مىگردد؛ مثال running after the dog
■ اگر فعلى به ie ختم شود هنگام اضافه كردن ing به آخر فعل ie تبديل به (y) مى مثال:
to die \(\rightarrow\) He is dying of hunger.
(1) كتاب موققيت در آزمونهاى استخدامى- زبان انگَليسى
r- ز- زمان حال كامل؛ تعريف: زمان فوق بر انجام كار يا روى دادن حالتى دلالت مىنمايد كه
ازز زمان كَشته شروع شده و تا زمان حال ادامه يافته باشد و يا اثر آن تاكنون باقىىانانده باشد.
ساختار اين زمان در جمله عبارت است از: (متمم) مغعول + (p.p)اسمر مغعول فعل اصلى + have/has + فاعل مل
I have studied this book.
already , yet. به معناى هنوز و تاكنون مى

مىرود در حالى كه already عمدتاً در وسط جمله و در جملات مثبت استفاده مىشود. sofar , recently , already, yet, just, از ت از نشانههاى اين زمان قيودى مانند

> lately (تاكنون) (اخيراً) مىباشند.

ع- زمان حال كامل استمرارى؛ تعريف: براى بيان انجام كار يا روى دادن حالتى به كار میرود


ساختار حمله در اين زمان عبارتند از: (متمر) مغعول + ing + فعل + have/has been +فاعل

Tom has been working here since 1989.
ب) زمانهاى كذشته: (The past tenses)

 ا- كَذشتهى ساده؛ تعريف: بيانگر عملى است كه در زمان كَذشته انجـام كَرفتـه و پايـان

يافته است؛ مثال:
I walked to school yesterday.


■ صورت منفى و سؤالى اين زمان با استفاده از فعل كمكى (did) ساخته مى شود. بــه
هنگام استفاده از (did) فعل اصلى جمله ديگر كَششته نمىشود.

ץ- زمان گَششتهى استمرارى (The past continuous tense)؛『 تعريف: بيانگر عملى است كه در لحظهى مشخصى در زمان گَذشته در حال انجام بـوده است و با فرمول زير ساخته مىشود:
+ was or were + فعاعل + ing +
 اين دو بخش را به هم متصل مى كنند مثال: while , when I was watching TV when you called me
\(\underbrace{\text { s. }}_{\text {كذشتهى استمرارى }}\)
Fَنشتهى ساده
r- ماضى بعيد (گذشته كامل) (past prefect tense)؛ بيـانگر عملـى اسـت كـه در
زمان گَذشته و قبل از عمل ديتَرى انجام شده، پايان گَرفته و اثر آن هم از بين رفته است.
ساختار ماضى بعيد عبارتند از:
فاعل (p.p) + had + (متمه) مغعول + قسمت سوم فعل
I had studied this book.
■ زمان گَشتهى كامل اكثراً همراه با يك گَذشتهى ساده بـه كـار مـىرود و كلمـاتى مانـــد
because , before
Mary was happy because she had passed the exam.


\section*{!}
 intend
خواسته و يا قصد باشند به شكل ماضى بعيد به كار برد.

\section*{He had hoped to win the first prize}```

